



## ویژگی‌های المیزان

نویسنده: معرفت، محمد هادی

فلسفه و کلام :: کیهان اندیشه :: آذر و دی 1369 - شماره 33

از 35 تا 40

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/25787>

دانلود شده توسط : محمدمامین رضانی

تاریخ دانلود : 1393/06/03 18:31:31

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.com](http://www.noormags.com)

# ویژگیهای المیزان

محمد هادی معرفت

اشاره:

مقاله حاضر به مناسبت پنجمین کنگره بزرگداشت علامه طباطبائی و بررسی آثار و افکار ایشان، که در دانشگاه تبریز (۱۹-۲۱ آبان) برگزار گردید تحریر یافته است. نخست بنا بود این مقال را شخصاً در آن کنگره القاء نمایم ولی بنا به عللی از حضور در کنگره محروم شدم.

سوره، نیز از جایگاه بلند تفسیر موضوعی که اهمیت آن امروزه روشن گردیده، غافل نبوده، هردو جنبه را با کمال دقت و ظرافت دنبال کرده، و تفسیری کامل در تمامی ابعاد، به جهانیان عرضه داشته، این از ویژگیهای مهم این تفسیر بلند آوا است، و موجب جلب توجه دانشپژوهان و اسلامشناسان گردیده.

امروزه مسلم است که «تفسیر موضوعی» از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. عالمان و محققان بیشتر توجهشان معطوف به این جهت شده که محتویات قرآن چیست، و چه مطالبی را بر جهانیان عرضه داشته، که از روز نخست مورد اعجاب و شگفتی همگان گردیده، علاوه بر تسخیر جانها، بر پهنای گسترده جهان، سایه افکنده؟! افکنده؟! افکنده!؟

استاد علامه طباطبائی، بر این نکته توجه

مفسران در گذشته و حال بسیارند، جز آنکه در میان همه آنها محدود تفاسیری چشم‌گیر و قابل توجه می‌باشند، از آن جمله تفسیر «المیزان» نوشته استاد علامه طباطبائی است که در تاریخ معاصر گوی سبقت از همگان ربوده و جایگاه بلندی در مجامع علمی به خود اختصاص داده است. این ویژگی، در پی ارزشهای چندی می‌باشد که در این تفسیر گرد آمده، به مطالب عالی و مباحث شگرف آن رونق دیگری بخشیده. در این مقال به گوشه‌ای از آن ارزشها که ویژگیهای این تفسیر پر ارج را می‌رساند اشارت می‌رود:

## ۱. جمع دوشیوه‌ترتیبی و موضوعی

جمع نمودن میان دوشیوه تفسیری: ترتیبی و موضوعی که با مراعات نمودن ترتیب در تفسیر آیات، آیه به آیه، و سوره به

فراوان داشته، تا آنجا که قلم توانای آن بزرگ مرد فرصت یافته، مقاصد عالیه و معارف جلیله قرآن را دسته‌بندی کرده، آماده و کامل برپژوهشگران روشن ضمیر عرضه داشته و روان تشنه آنان را، با آبی زلال و گوارا سیراب نموده.

قابل توجه آنکه: استاد علامه، اباحت وارده را، کاملاً قرآنی مطرح کرده، از طفره رفتن، و گریز به مطالب بیرونی پرهیز نموده، صرفاً مطالب را از دیدگاه قرآن، و با عرضه کردن آیات بریکدیگر ارزیابی نموده است، و این نکته ظریفی است که از نظر تیزبینان دور نیست.

و نیز از جنبه تفسیر ترتیبی، هر آنچه طالبین تفسیر از نکته‌ها و ظرافتهای ادبی و اشارتهای علمی و ارزشها و نیز شرح و تفسیر و رفع ابهامها که به آن نیاز دارند، برآورده نموده، باذوقی سرشار و قدرتی شگرف، تمامی ابعاد آن را مورد بررسی قرار داده است.

## ۲. وحدت موضوعی در هرسوره

از دیگر ویژگیهای این تفسیر، مطرح نمودن مسأله «وحدت موضوعی» هرسوره است. به این بیان که تمام سوره‌های قرآن هریک دارای هدف بخصوصی است، که آنرا با مقدمه ظریف دنبال می‌کند و با خاتمه بس شیوا به پایان می‌رساند. اختلاف عدد آیات سوره‌ها نیز به همین امر بستگی دارد. تا مقصود نهایی انجام نگیرد، سوره به پایان نمی‌رسد. و کوچکی و بزرگی هرسوره، به کوتاهی و بلندی هدف و مقصود از هرسوره وابسته است.

آنچه علمای علم بیان تاکنون به آن رسیده‌اند، مشتمل بودن هرسوره بر مقدمه‌های متناسب «حسن مطلع» و خاتمه‌های هماهنگ «حسن ختام» است که از محسنات بسیار ظریف علم «بدیع» است. و یک سخنور توانا و نویسنده قدرتمند، بایستی مطلب خود را به احسن وجه شروع نماید، بگونه‌ای که شنونده یا خواننده مقال ناگهان با مطلبی غیرمترقبه مواجه نگردد و تا ذهنیت او را آماده نکند وارد مطلب نشود.

و نیز باید با شیوه‌ای ظریف به مطلب پایان دهد، تا شنونده به سهولت خود را در پایان مقصد یافته، حالت منتظره نداشته باشد. یعنی خود را درحالتی بیابد که کمال مقصود را دربر گرفته باشد.

این خاصیت «بدیعی» به کمال وضوح در یک یک سوره‌ها بچشم می‌خورد و علماء از روزهای نخست به آن پی برده‌اند.

اکنون این پرسش پیش می‌آید: آیا می‌شود کلامی با مقدمه‌ای زیبا و خاتمه‌ای شیوا، مقصودی بس والا در میان نداشته باشد؟!

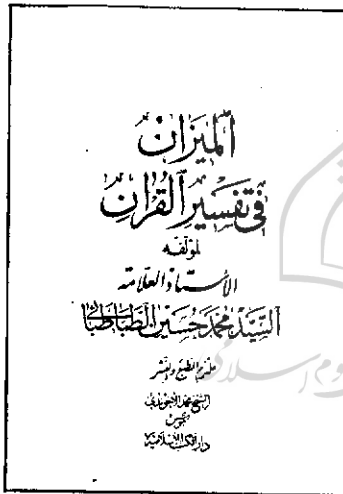
این نکته‌ای است که علمای متأخر به آن پی برده‌اند.

از جمله استاد بزرگوار علامه طباطبائی بر این نکته اصرار دارند که هر سوره صرفاً مجموعه آیات پراکنده و بدون جامع واحدی نمی‌باشد، بلکه یک وحدت فراگیر بر کل سوره‌ها حاکم و پیوستگی آیات آن را می‌رساند.

و مسئله وحدت موضوعی، یا وحدت سیاق در هر سوره که قرائن کلامیه قابل توجه

که در پس ظاهر الفاظ و معانی، حقیقتی والاتر نهفته است که گوهر قرآن و بطن آن را تشکیل می‌دهد. این روح کلی، دارای وحدتی استوار، و از هر گونه تجزیه و تفصیل مبرا است.

و آن حقیقت همانند روح در جسد، عینیت وجودی دارد، و سرمنشأ تمامی احکام و شرایع و بیانات قرآن می‌باشد که نه از سنخ الفاظ و نه از سنخ مفاهیم است. بلکه از سنخ عالم امر است که در جایگاه



بلند عالم ملکوت قرار دارد، و هرگز دست آلوده خاکیان بدان نمی‌رسد. اشاره به آیات ذیل مناسب است:

«و كذلك أوحينا إليك روحاً من أمرنا» (۲)

«و انه في أم الكتاب لدينا لعلي حكيم» (۳)

«انه لقرآن كريم في كتاب مكنون

لايمسه الا المطهرون» (۴)

استاد در این زمینه می‌فرماید:

«فالمحصل من الآيات الشريفة أن وراء

مانقرأه و نقله من القرآن امراً هو من القرآن

بمنزلة الروح من الجسد والمتمثل من المثال،

است از همین جانشأت گرفته است.

ایشان در این زمینه می‌فرماید:

ان لكل طائفة من هذه الطوائف من كلامه تعالى (التي فصلها قطعاً قطعاً وسمي كل قطعة سورة) نوعاً من وحدة التأليف والائتتام، لا يوجد بين ابعاض من سورة، ولا بين سورة وسورة. ومن هنا نعلم ان الاغراض والمقاصد المحصلة من السور مختلفة، وان كل واحدة منها مسوقة لبيان معنى خاص و لغرض محصل لا تتم السورة الا بتمامه. (۱)

یعنی: برای هر دسته از کلام الهی - که به نام سوره خوانده می‌شود - یک گونه وحدت تألیفی وجود دارد، که در ابعاض یک سوره، یامیان یک سوره و سوره دیگر، این گونه ربط و انسجام وجود ندارد. از اینجا معلوم می‌گردد که هدفها و مقاصد هر سوره متفاوت است و هر سوره هدفی مستقل را دنبال می‌کند، و تا آن هدف به انجام نرسد، سوره پایان نمی‌یابد.

و بالفعل پیشاپیش هر سوره، فشرده‌ای از مطالب گسترده آن را بیان داشته و با این قدم استوار از راز بزرگی که در متن سوره‌ها نهفته است پرده برداشته، جهشی بس سترگ به جهان تفسیر بخشیده‌اند.

۳. روح کلی حاکم بر کل قرآن

سومین ویژگی، نظریه سریان و جریان

یک روح کلی و حاکم بر سرتاسر قرآن

است، که بر تمامی آیات و سوره‌ها سایه

افکنده، حقیقت و جان کلام الهی را تشکیل

می‌دهد.

استاد علامه طباطبائی بر این باور است

گسترده و تدریجی بوجود آمدن گردیده، که تماماً به سبب مادی بودن ابزار درک ما است، ولی آن حقیقت پنهان از آن میرا می‌باشد، و همان موجب گردیده که دارای وحدتی استوار باشد و تدریجی الوجود نباشد، و نزول آن با عنوان «انزال» انجام یافته، که دفعی بودن آن را می‌رساند، نه با عنوان «تنزیل» که تدریجی بودن را گویا باشد.

و این گمان از آیه شریفه «کتاب احکمت آیاته ثم فصلت...» بخوبی پیدا است، زیرا آن «احکام و استواری» در مقابل این «تفصیل و جزء جزء بودن» خواهد بود.

پس آن استواری قرآن، همانا وحدت حقیقی آن را می‌رساند، که در اصل دارای فصول و اجزاء نبوده. و این تفصیل و جزء جزء بودن که اکنون در قرآن مشاهده می‌شود، امری عارضی و برخلاف وضع اصلی آن است تا آنجا که می‌گوید: از این رو، کتاب مبین (به معنی: نوشته آشکار) همانا اصل و حقیقت قرآن است، که در پس پرده «الفاظ و معانی» پنهان می‌باشد و این قرآن را (که دارای الفاظ و معانی و اجزاء و فصول است) نسبت به آن، همانا مانند لباسی است که براندام او قرار دارد.

\*\*\*

بر این اساس، مسأله «وحدت سیاق» عموماً در تمامی قرآن از نوزنده می‌گردد. و یکپارچگی قرآن را می‌رساند، لذا دو موضوع به اثبات می‌رسد: یکی اینکه: می‌توان از هر گوشه قرآن، برای فهم یارفع ابهام در گوشه دیگر آن استفاده نمود. دوم اینکه: شبهه «عدم تناسب» به

و هوالذی یسمیه تعالی بالکتاب الحکیم، و هوالذی تعتمد علیه معارف القرآن، ولیس من سنخ الالفاظ والامعانی...» (۵)

یعنی: نتیجه بدست آمده از آیات فوق آن است که در وراء آنچه از قرآن می‌خوانیم و تصور می‌کنیم، چیز دیگری وجود دارد، که جایگاه آن همانند جایگاه جان در بدن و روان در کالبد است، و همان است که خداوند آن را به نام «کتاب حکیم استوار» یاد می‌کند، و همان است که تمامی معارف و تعالیم قرآن بر آن تکیه زده، نه از سنخ الفاظ است و نه از سنخ معانی متصوره.

و پیش از آن نیز چنین فرموده است:

«و اما لکون الکتاب ذاحقیقة اخری وراء مانفهمه بالفهم العادی، الذی یقضى بالفرق والتفصیل والانسیاط والتدریج، هوالمصحح لکونه واحداً غیر تدریجی ونازلاً بالانزال دون التنزیل... وهذا الاحتمال هوالاتح من قوله تعالی: کتاب احکمت آیاته ثم فصلت (۶) فان هذا الاحکام مقابل التفصیل... فالا حکام کونه بحيث لا یتفصل فیه جزء من جزء ولا یتمیز بعض من بعض، لرجوع الی معنی واحد لاجزاء فیه ولافصول، وان هذا التفصیل المشاهد فیالقرآن انما هوشیئ طراً علیه بعد کونه محکماً غیر مفصل - الی ان یقول - فالکتاب المبین الذی هو اصل القرآن وحکمه، الخالی عن التفصیل، امر وراء هذا المنزل، وانما هذا بمنزلة اللباس لذاک...» (۷)

یعنی: ویا آنکه بدین جهت می‌باشد، که قرآن دارای حقیقتی دیگر است، و در وراء آنچه ما با این ابزار معمولی درک می‌کنیم و مایه جدا جدا بودن، و فصل فصل شدن، و

در المیزان برای تفسیریک آیه، احیاناً چندین آیه دیگر مورد استشهاد قرار می‌گیرد، که انسان را به تعجب وامیدارد، و غالباً در تفاسیر دیگر از آن غفلت شده است.

#### ۵. جایگاه فطرت پاک در رسیدن به حقایق قرآن

پنجمین ویژگی تفسیر المیزان، نحوه تفسیر و استنباط مقاصد عالیة قرآن است، که با تدبری عمیق و شیوهای جدا از دیگر



شیوه‌ها به سراغ آیات قرآن رفته و جان مطلب را بدست آورده است.

قرآن کریم در بیان مطالب شیوه‌های خاص دارد که از دیگر شیوه‌ها جدا است. قرآن برای رساندن مطالب و مقاصد خود، والقاء مفاهیم عالی، روشی جز روشهای معموله بدر تفهیم و تفهم متعارف دارد، که بیشتر با وجدانها و با فطرت و ضمیر آدمی سروکار دارد، و اگر کسی خواسته باشد، صرفاً از همین روشهای معمولی برای کسب

استناد جدا جدا نازل شدن آیات، دیگر موردی ندارد، زیرا بر این مبنی تمامی آیات قرآن، به منزله کلام واحدی است، «وللمتکلم ان يلحق بكلامه ماشاء مادام متکلماً لهذا تمامی آیات نسبت به یکدیگر «قرائن کلامیه» بشمار می‌روند.

#### ۴. شناخت ارتباط آیات

ویژگی چهارم: عینیت بخشیدن به مسأله «القرآن یفسر بعضه بعضاً» با چنان قدرت واحاطه به تمامی آیات مرتبط با یکدیگر بگونه‌ای که هر یک از آیات نسبت به آیات دیگر رافع ابهام و شارح آن بوده است.

البته رجوع به قرآن برای فهم قرآن، واستشهاد از آیاتی برای آیات دیگر سابقه طولانی دارد، و به عهد اول بر می‌گردد، زیرا بهترین راه برای فهم مطالب، رجوع به دیگر سخنان هر متکلمی است، و قرآن از این لحاظ قطعی‌ترین و اولی‌ترین سند رسمی برای مراجعه می‌باشد، و مطمئن‌ترین وسیله‌ای است برای راه یافتن به حل مشکلات تفسیری...

ولی مشکل این کار عدم احاطه، و نبود آگاهی کامل، در شناخت آیات مرتبط به یکدیگر است، شاید بیشتر مفسرین در موقع تفسیریک آیه، ندانند یا غفلت کنند کدام آیات برای حل ابهام آیه حاضر مفید و قابل استفاده می‌باشد.

مفسر عالیقدر «علامه طباطبائی» در این زمینه قدرت عجیبی از خود نشان داده، احاطه کامل ایشان را می‌رساند. تا آنجا که از ویژگیهای این تفسیر عظیم‌الشان بشمار می‌آید.

مرتبط به یکدیگر، در عین حال که جدا جدا می باشد. برخی گویای برخی دیگر است، و بر یکدیگر قرینه و شاهدند، همانگونه که مولا علی (علیه السلام) فرموده، لذا شایسته نیست یک آیه را، جدا از آیات متناسب دیگر، مورد بررسی قرار دهیم، و طبق قواعد معمولی کلامی، دستاورد آن را صرفاً ملاحظه کنیم، هرگز، بلکه باید تمامی آیات مربوطه را مورد نظر قرار داده تا معنی حقیقی به دست آید، و لازم است در این باره جدیت از خود نشان دهیم.

ولذا در ذیل آیه تدبیر (۱۲) می فرماید: «وقد تبین من الایة- اولاً-: أن القرآن مما لا یناله الفهم العادی. و- ثانیاً-: ان الایات القرآنیة یفسر بعضها بعضاً...» (۱۳)

یعنی: روشن گردید که اولاً قرآن را نمی توان با فهم معمولی درک نمود، و ثانیاً برخی از آیات بیانگر دیگر آیات می باشند.

#### یادداشتها:

- ۱- تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۴، چاپ تهران. و ج ۱، ص ۱۶، چاپ بیروت.
- ۲- سوره شوری، آیه ۵۲.
- ۳- سوره بروج، آیه ۲۲.
- ۴- سوره زخرف آیه ۴.
- ۵- تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۵۵.
- ۶- سوره هود، آیه ۲.
- ۷- تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۶ و ۱۵.
- ۸- سوره شوری، آیه ۵۲.
- ۹- سوره نور، آیه ۴۰.
- ۱۰- سوره واقعه، آیه ۷۸.
- ۱۱- تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۷۶.
- ۱۲- سوره نساء، آیه ۸۲.
- ۱۳- تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۰.

مطالب قرآن استفاده کند، بسی اشتباه رفته است، زیرا این قرآن فروغی است که هر دلی آمادگی تابش آن را ندارد.

«ولکن جعلناه نوراً نهدی به من نشاء من عبادنا» (۸)

«و من لم یجعل الله له نوراً فماله من نور» (۹)

صرفاً پاک سرشتان و پاک اندیشاند که آمادگی بهره گیری از قرآن را دارند و می توانند پرده از چهره این گوهر تابناک بردارند.

«انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المطهرون» (۱۰)

مفسر عالیقدر ما با همین دید تیزبین، باهمنی والا پایه های تفسیر گرانمایه خود را پی ریزی نموده، و کاملاً در این راه موفق بوده، و حقایقی گرانبها به دست آورده، چیزی که دیگران کم و بیش از آن محروم بوده اند.

در زمینه «تفسیر به رأی» می فرماید:

«والبیان القرآنی غیر جار هذا المجری (ای اعمال القواعد المعمولة فی کشف المراد الکلامی) بل هو کلام موصول بعضها ببعض فی عین انه مفصول، ینطق بعضها بعضاً، و یشهد بعضه علی بعض کما قال علی علیه السلام فلا یکفی ما یتحصل من آیه واحدة باعمال القواعد المقرره فی العلوم المربوظة، فی انکشاف المعنی المراد منها دون ان یتعاهد جمیع الایات المناسبة لها، و یجتهد فی التدبیر فیها...» (۱۱)

یعنی: بیانات قرآن برخلاف این شیوه است (یعنی از قواعد معمولی جدا بوده و به آنها بستگی ندارد) بلکه آن کلامی است